

بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

کریم کوخانی زاده^۱

چکیده

در جامعه اسلامی مسجد در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال دارد و نقش محوری ایفا می‌کند. پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله، در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد به تأسیس مسجد پرداخت پس از احداث مسجد از آن به عنوان پایگاه و کانون نشر افکار، عقاید و اصول اسلامی استفاده نمود. حساسیت‌هایی که بعضی از دولت‌های اروپایی در برابر ساختن مسجد یا تشکیل اجتماعات اسلامی یا رعایت لباس اسلامی و امثال آن نشان می‌دهند یا در مردم برمی‌انگیزانند، ما را بر آن داشت تا در این نوشتار به بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بپردازیم. آنچه از بررسی این نقش و جایگاه از متون تاریخی بدست می‌آید، جامعیت مسجد در همه زمینه‌های عبادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، نظامی، قضایی و... می‌باشد؛ و محور همه آنها امامت و پیشوایی در مسجد است که به عنوان مهمترین مسئله در ساختار و پیکره این مکان مقدس مطرح است که با توجه به اهمیت این موضوع خود پیامبر در زمان صدر اسلام عهده‌دار آن بودند. ایشان تأکید ویژه‌ای بر سادگی مسجد داشتند. پیامبر به عنوان استاد دانشگاه به تربیت دانشجویان علوم دینی، و به عنوان فرماندهی کل قوا با مشاوره فرماندهان نظامی خود به تدبیر امور جنگ می‌پرداختند، و به عنوان ریاست سیاسی و فرهنگی مدینه با نمایندگان سایر ادیان به گفت‌وگو می‌پرداختند.

^۱ . عضو هیئت علمی گروه الهیات دانشگاه ایلام کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی و پایه گروه الهیات.

مقدمه

در جامعه اسلامی مسجد در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال دارد و نقش محوری ایفا می‌کند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مسجد رفت‌وآمد می‌کنند ضمن ادای فریضه نماز با قرار گرفتن در این اجتماع، در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه با خبر می‌شوند و در جریان مسائل روز قرار می‌گیرند. پیامبر بزرگوار صلی‌الله‌علیه‌وآله، در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد به تأسیس مسجد پرداخت پس از احداث مسجد از آن به عنوان يك پایگاه بزرگ تبلیغی، در پرتو تعالیم آسمانی اسلام و از راه تدریس، وعظ، ارشاد و ایراد خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها به نشر فرهنگ عظیم اسلامی پرداخت. هرچند ممکن است چنین تلقی شود که با وجود وسائل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد اهمیت قبلی خود را از دست داده است، ولی به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آنها در تمامی نقاط شهری و روستایی از یکسو، و از سوی دیگر حرمت و قداست خاصی که مسجد نزد مسلمانان دارد، سبب شده است تا مساجد نقش مهم و غیرقابل انکار خود را در این کارکرد ایفا کنند. از آنجا که امسال بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری به سال پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله نامگذاری شده است در این نوشتار بر آن شدیم که به بررسی فعالیت‌های مساجد در سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته و به برخی از سؤالاتی که در ذیل می‌آید در ضمن مباحث پاسخ تفصیلی بدهیم.

- ۱ - نقش آموزشی و تبلیغی مساجد در سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله چگونه بوده است؟
- ۲ - نقش نظامی مساجد به عنوان محلی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های نظامی چگونه بوده است؟
- ۳ - آیا در مسجد با پیروان سایر ادیان یا نمایندگان آنها با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت‌وگویی انجام شده است؟
- ۴ - مراسم اعتکاف در سیره نبوی چگونه برگزار می‌شده است؟
- ۵ - شیوه برگزاری نماز جماعت در مساجد به وسیله پیامبر چگونه بوده است؟ و سؤالات دیگری که امید است در این نوشتار به آنها پاسخ داده شود.

۱ - **مسجد به عنوان دانشگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله**
ابعاد آموزشی مسجد پس از جنبه عبادی، بیش از هر جنبه دیگری برجسته و نمایان است.

این نقش مسجد، توجه همه پژوهش‌گرانی را که درباره مسجد، سخن گفته، یا اثر علمی نگاشته‌اند، به خود جلب کرده است البته با بررسی عملکرد و سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به این نتیجه نیز می‌توان دست یافت که ابعاد آموزشی کاملاً مورد توجه ایشان بوده است. نقش مسجد در فعالیت‌های آموزشی، پس از ورود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و بنای مسجد آغاز شد بطوری که با بنای مسجدالنبی، در واقع نه تنها پرستشگاهی برای مسلمانان ساخته شد، که دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی‌ریزی شد. حال در زیر به مهم‌ترین مباحثی که می‌تواند در قالب عنوان بالا بگنجد می‌پردازیم.

الف) جلسه‌های آموزشی پیامبر اسلام در مسجد

علاوه بر جلسات سخنرانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که معمولاً پس از نماز جماعت برگزار می‌شد کلاس‌های آموزشی نیز در اوقات گوناگون از سوی آن حضرت در مسجد تشکیل می‌یافت. این کلاس‌ها اختصاص به جوانان و نوجوانان نداشت، بزرگسالان و پیرمردان نیز در چنین جلساتی شرکت می‌کردند.^۲ در این جلسات، مسائل گوناگونی به مسلمانان آموزش داده می‌شد مباحث اعتقادی و آموزش مبانی ایمان به خداوند، در شمار اولین مسائل بود که به مسلمانان و بویژه آنان که تازه به آیین اسلام گرویده بودند، آموخته می‌شد. ابوذر می‌گوید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان را قبل از آموزش قرآن به ما می‌آموخت.^۳ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار آموزش مباحث دینی، مسلمانان را به مسائل تاریخی آشنا می‌کرد. عبدالله بن عمر گفته است: پیامبر شب‌ها، گاه تا دیر وقت پیرامون تاریخ بنی‌اسرائیل برای ما سخن می‌گفت،^۴ استاد و مدرس کلاس‌هایی که در مسجد تشکیل می‌شد، تنها پیامبر اعظم نبود. علی‌علیه‌السلام نیز گاه به فرمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر منبر می‌رفت و در

_____الی
که يك پله پایین‌تر از جای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌نشست، برای مردم سخن می‌گفت.^۵
گروه‌های مختلف با اساتید معین در گوشه و کنار مسجد کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کردند و علوم و فنون مختلف آموزش داده می‌شد. عبدالله بن رواحه در مسجد جلسات مربوط به توحید و معاد (مسائل اعتقادی) را اداره می‌کرد، او در غیاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز مسائل فقهی و اعتقادی را به مسلمانان آموزش می‌داد. گاه اتفاق می‌افتاد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خود در چنین جلساتی

^۲ . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه: ج ۲ ، ص ۲۲۳ .

^۳ . همان: ج ۲ ، ص ۲۲۱ .

^۴ . مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار: ج ۴ ، ص ۴۵ .

^۵ . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه: ج ۲ ، ص ۲۱۸ .

شرکت می‌کردند.

روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در حلقه درسی که عبدالله بن رواحه در آن تدریس می‌کرد، حضور یافتند. با ورود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین انتظار می‌رفت که ایشان سخنران مجلس باشند، ولی پیامبر فرمودند: بدانچه مشغول بودید ادامه دهید، من نیز برای آموزش و تعلیم مبعوث شده‌ام نظیر همین ماجرا در مورد معاذ بن جبل نیز نقل شده است.^۶

یکی دیگر از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنام عباده بن صامت، مأمور آموزش قرآن و نوشتن به اصحاب صقه بود.^۷ اینان که بیشتر در مسجد به سر می‌بردند، بسیاری از اوقات خود را به آموزش و کارهای علمی اختصاص می‌دادند. آنان در شب‌ها نیز به آموزش قرآن می‌پرداختند. شواهد موجود نشان می‌دهد برگزاری جلسات فقهی و آموزشی احکام در مسجد، گرمی و رونق ویژه‌ای داشته است. ابوسعید خدری گفته است: اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چون گرد می‌آمدند به سخن گفتن می‌پرداختند و گفتار آنان بیشتر پیرامون دانش فقه بود. گاهی هم پس از مباحث فقهی به کسی می‌گفتند تا سوره‌ای از قرآن را در میان جمع تلاوت کند.^۸ این کلاس‌های آموزشی، با مایه‌های اخلاقی و پرورشی نیز همراه بوده است.

انس بن مالک از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حدیثی این چنین نقل کرده است:

«نزد من، نشستن با گروهی که از آغاز صبح تا طلوع آفتاب خدای را به یاد می‌آورند، دوست داشتنی‌تر از آزاد کردن چهار بنده است».^۹

بنابراین با توجه به بیانات گذشته و شواهد که در کتب مختلف نقل شده می‌توان گفت شور و نشاط علمی خاصی در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌خصوصاً در سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌هدیده می‌شود بطوریکه از شواهد بدست می‌آید گاهی جلسات علمی از آغاز شب تا صبح به طول می‌انجامیده است و مشتاقان معارف اسلامی درباره علوم گوناگون به آموختن و فراگرفتن مشغول می‌شدند.

ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد

با بررسی مستندات تاریخی که وجود دارد می‌توان گفت جلساتی که مسلمانان بتوانند پرسش‌های علمی خود را با پیامبر در میان بگذارند نیز در مسجد تشکیل شده است.

^۶ . همان: ج ۲ ، ص ۲۲۱ .

^۷ . همان: ج ۱ ، ص ۴۸ .

^۸ . همان: ج ۲ ، ص ۴۷۷ و ۲۳۲ .

^۹ . غزالی، محمد، *احیاء علوم‌الدین*: ج ۱ ، ص ۴۴ .

از ابن عباس نقل شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله پس از به جای آوردن نماز صبح، تا طلوع آفتاب در جایگاه نماز خویش می‌نشستند.^{۱۰} گرچه از برخی روایات چنین برمی‌آید که آن حضرت در این اوقات به ذکر دعا می‌پرداختند.^{۱۱} ولی شواهدی نشان می‌دهد که بخشی از این فاصله زمانی به برگزاری جلسه‌های پرسش و پاسخ اختصاص می‌یافته است. در طبقات ابن سعد آمده است که پیامبر پس از به جای آوردن نماز صبح در کنار ستون توبه می‌نشست. پیش از نشستن آن حضرت، ضعیفان، بینوایان، تنگدستان، و میهمانان پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا جلسه‌ای بر پا می‌کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله در جلسه آنان حضور می‌یافت، آیاتی را که شبانگاه بر وی نازل شده بود، بر آنها تلاوت می‌نمود و تا طلوع آفتاب با آنان به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت.^{۱۲} ابوموسی نیز گفته است: چون پیامبر صلی الله علیه و آله نماز صبح را به جای می‌آورد، گرد او جمع می‌شدیم، برخی درباره تفسیر آیه‌های قرآن از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال می‌کردند، گروهی پرسش‌هایی را پیرامون احکام و واجبات دینی در میان می‌گذاشتند و عده‌ای نیز تعبیر خواب را از آن حضرت می‌پرسیدند.^{۱۳} پیامبر با کسانی که به منظور پرسش و یاد گرفتن به حضورشان می‌آمدند، با گشاده‌روی کامل برخورد می‌کرد و همراه با بیان پاداش و فضیلت دانش آموزان، آنان را تشویق می‌نمودند. سفیان بن عسان گفته است: روزی در مسجد به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله مشرف شدیم. گفتم ای رسول خدا من به قصد فراگرفتن دانش به حضور شما آمده‌ام. پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: «آفرین بر جوینده دانش، فرشتگان الهی از آن رو که دانش را دوست می‌دارند، با بال‌های خود دانش‌پژوهان را در برمی‌گیرند، و شمار زیادی از آنها گرداگرد جویندگان علم حلقه می‌زنند، آن‌گونه که در اثر کثرت جمعیت به آسمان می‌رسند».^{۱۴}

ج) انجام فعالیت‌های فرهنگی در مساجد و آغاز آن از مسجد الحرام

اهمیت و نقش حساس مساجد دوره پیامبر خصوصا مسجد الحرام، هرگز از نگاه پیامبر پوشیده نبود. وقتی آن حضرت مساجد کوچک در نقاط دور دست را مورد توجه قرار می‌داد و به بنای مساجد برای قبایل مختلف فرمان می‌داد و کسانی را به امام جماعت آنان می‌گمارد،

^{۱۰} . ابن شبه، عمر، تاریخ المدینه المنوره: ج ۲، ص ۵۶۷ .

^{۱۱} . غزالی، محمد، احیاء العلوم الدین، ج ۱ ص ۳۹۵ .

^{۱۲} . ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری: ج ۲، ص ۴۴۵ .

^{۱۳} . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه الترتیب الاداریه: ج ۲، ص ۲۷۸ .

^{۱۴} . شهید ثانی، منیه المرید: ص ۱۰۶ .

مسجدالحرام با آن همه اهمیت چگونه می‌توانست از نگاه پیامبر دور باشد؟ در حقیقت، چیرگی مشرکان قریش بر کعبه و مسجدالحرام، اجازه نمی‌داد آن حضرت در پی‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی در مسجدالحرام، دست به اقدامی اساسی بزند. ولی پس از فتح مکه و آنگاه که اداره سیاسی شهر مکه و کعبه و مسجدالحرام در اختیار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار گرفت، آن حضرت بی‌درنگ در مورد شروع فعالیت‌های فرهنگی در این مرکز مقدس اقدام نمود. عتاب بن اسید به استانداری منصوب شد و معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری هم مأموریت یافتند تا به مردم مکه، قرآن، فقه و مسائل دینی را آموزش دهند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در هنگام نصب عتاب به سمت استانداری مکه و امام جماعت مسجدالحرام، بر ضرورت کارهای فرهنگی و آموزشی تأکید فرمود، آن حضرت عتاب را فرمان داد تا چهار نوع معامله ناروا را که در جامعه آن روز رایج بود به مردم پیامورد و مردم را از انجام چنین معاملاتی بازدارد.^{۱۵} این امر به روشنی گویای این مطلب است که پیامبر تا چه میزان نسبت به کارهای فرهنگی در جامعه و مسجد اهتمام داشته‌اند شواهدی نشان می‌دهد، حتی آنان که برای جمع‌آوری زکات به مناطق گوناگون اعزام می‌شدند نیز، به پاداشتن نماز و آموزش قرآن و مسائل دینی به مردم را وظیفه خویش می‌دانستند. پیامبر به پیشنهاد بنی‌مصطلق، عباد بن بشر را برای جمع‌آوری زکات بسوی این قبیله فرستاد. آنان درباره کارهایی که عباد انجام داد گفته‌اند! او برای ما قرآن می‌خواند و شرایع اسلام را به ما می‌آموخت. ما او را در میان خانه‌های خود فرود آوردیم، نه حقی از کسی ضایع کرد و نه از حق، فراتر رفت. چون پیامبر به او دستور فرموده بود، ده روز پیش ما ماند و سپس خوشحال و راضی به حضور رسول خدا برگشت.^{۱۶} مسجد نباید فقط نمازخانه باشد اگر دانشجویان احساس کنند که در امور درسی، اخلاقی و مالی مسجد به آنان کمک می‌کند، یا اصناف بدانند مسجد علاوه بر راهنمایی‌های فقهی و اخلاقی، در بحران‌های کسبی و مشکلات اقتصادی از آنان حمایت می‌کند، سوق المسلمین که یکی از آثار اخوت اسلامی است به وجود می‌آید. مسجد جهت تحقق آرمان‌های فرهنگی خود باید بخش‌هایی همچون: مدرسه، درمان، صندوق قرض‌الحسنه داشته باشد، تا بتواند به مردم کمک کند و گرفتاری‌هایشان را برطرف کند. امام مسجد هم باید همچون پدری دلسوز در میان جامعه، معروف و زبانزد باشد. مسجد پیامبر این‌گونه بود. آن حضرت توانستند اختلافات مردم را برطرف سازند، بین قبایل وحدت ایجاد کنند، مهاجر و انصار، اوس و خزرج را به هم نزدیک گردانند، درگیری‌های یکصد ساله آنان را به دوستی تبدیل کنند،

^{۱۵} . واقفی محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص ۶۸۰ و ۷۲۹ .

^{۱۶} . همان: ص ۷۴۷ .

ارتباطات خانوادگی و دوستی را به شکل بسیار پسندیده‌ای برقرار نمایند، زمینه‌های کینه و عداوت را بخشکانند، روح تعاون و همکاری را براساس علقه و ارتباط دینی بین مسلمانان بوجود آورند، روشن است که همراهی، تبلیغ و ترویج مبانی دینی با کارهایی که به گونه‌ای اداره امور حکومت اسلامی بشمار می‌رود، می‌تواند سازندگی و تأثیری به سزا را در پی داشته باشد.

(د) معلمان مسائل دینی

پیامبر اکرم برای آموزش و تعلیم مسلمانان اهمیت بسیار زیادی قائل بودند و از هرگونه امکاناتی برای با سواد کردن ایشان استفاده می‌فرمودند. رسول خدا نخستین کسی بود که مسلمانان را به فراگیری دانش و کسب آگاهی فرا خواند و در پرتو تعالیم وحی شخصاً به تعلیم و تربیت ایشان پرداخت. در سایه تلاش و کوشش پیگیری که آن حضرت در نشر و گسترش علوم و معارف اسلامی مصروف داشت، دانش آموختگان برجسته‌ای در مکتب تربیتی وی پرورش یافتند که از پایه‌گذاران دانش‌های اسلامی در عصر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به کار تدریس و بحث و بررسی درباره مسائل دینی پرداختند. از این میان گروهی در مدینه عهده دار این وظیفه شدند و گروهی دیگر به تبلیغ و بیان احکام اسلامی در دیگر بلاد اسلامی پرداختند. همانطوری که گفته شد پیامبر اکرم برای آموزش مسلمانان اهمیت بسیار قائل بودند و از هرگونه امکاناتی برای با سواد کردن ایشان استفاده می‌فرمودند. برای مثال: به زید بن ثابت که پس از جنگ بدر، به وسیله یکی از اسیران خواندن و نوشتن آموخته بود، دستور دادند که خط عبری را نیز بیاموز.^{۱۷} بدین شیوه، شمار یاران با سواد پیامبر رو به فزونی گذاشت، به حدی که تعداد کاتبان و نویسندگان حضرت را تا ۴۲ نفر نوشته‌اند.^{۱۸} نهضت سوادآموزی در مدینه به قدری گسترش یافت که محلی به نام «دارالقرء» را بدین امر اختصاص دادند. آورده‌اند که عبدالله بن مکتوم پس از بازگشت از جنگ بدر به مدینه به همراهی مصعب عمیر در دارالقرء منزل کرد.^{۱۹} بعد از این همه تأکید و اهمیت پیامبر اکرم به سوادآموزی و تعلیم اساتید و گسترش دامنه حکومت اسلامی پیامبر شروع به اعزام اساتیدی به مناطق مختلف نمودند. چنانکه آن حضرت پیش از هجرت به مدینه مصعب بن عمیر و عبدالله بن مکتوم را به منظور تعلیم قرآن و مسائل دینی به نومسلمانان این شهر بسوی مدینه فرستاد. پس از هجرت نبوی، با گسترش قلمرو دولت اسلامی و راه یافتن اسلام در

^{۱۷} . آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، به کوشش ابوالقاسم گرجی: ص ۲۵۹ .

^{۱۸} . کنانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه: ج ۱، ص ۴۰ - ۴۸ .

^{۱۹} . همان: ج ۱، ص ۵۶ .

بیشتر نقاط جزیره العرب، نیاز مردم مسلمان آن نقاط به معلمان قرآن و دانشمندان علوم دینی افزایش یافت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای هریک از این بلاد، فردی از صحابه یا گروهی از ایشان را جهت آموزش آداب و شریعه اسلامی منصوب کرد. این افراد گاه به عنوان معلمان مسائل دینی به آن دیار اعزام می شدند و تنها همین وظیفه را برعهده داشتند چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه، معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری را به عنوان معلمان قرآن و احکام اسلامی در این شهر منصوب کرد و گاه به عنوان عاملان پیامبر در اداره امور سیاسی و اجتماعی این بلاد، رسالت آموزش و وظیفه آموزش نامسلمانان را نیز برعهده می گرفتند چنانکه عتاب بن اسید که از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله حاکم مکه بود این وظیفه را نیز برعهده داشت.^{۲۰} رسول اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر آن که عملاً مسجد را جایگاه آموزش معارف اسلامی و پایگاه امور فرهنگی قرار داده بودند، در سخنان فراوانی نیز براین نقش مسجد، تأکید نموده اند، بطوری که در سفارش های خود به ابوذر می فرمایند:

«... ای ابوذر، هرگونه توقفی در مسجد، لغو و بیهوده است مگر برای

سه دسته: کسی که پس از نماز به تلاوت قرآن می پردازد، آنکه سرگرم ذکر و یاد خداست و کسی که به مباحث علمی اشتغال داشته است».^{۲۱}

از اطلاق جمله «مباحث علمی» چنین برمی آید که لازم نیست علمی که در مسجد مورد بحث و گفت و گو قرار می گیرد، حتماً دانش های دینی باشد، بلکه هر دانش سودمندی چنانکه یاد دادن و آموختن آن، از نظر شرعی یا اشکالی روبرو نباشد، می تواند در مسجد مورد بحث و بررسی قرار گیرد. شهید ثانی در کتاب *گزانقدر منیه/المزید* حدیث ذیل را نقل نموده است:

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد وارد شدند. در مجلس، دو مجلس جداگانه برپا بود، گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر دو گروه به سوی نیکی، گام برمی دارند. دسته ای، خدا را می خوانند و گروهی نیز آموزش می بینند و نادانان را تعلیم می دهند، ولی این گروه کار برتری را انجام می دهند. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده ام. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله خود در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست».^{۲۲}

20. حکیمی، محمد رضا، *الحیاه*: ج ۲، ص ۴۱۹.

21. حر عاملی، *وسائل الشیعه*: ج ۲، ص ۸۶.

22. شهید ثانی، *منیه المزید*: ص ۱۰۶.

۲ - مسجد بعنوان ستاد فرماندهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام در طول حکومت یازده ساله خویش درگیر جنگ‌های بسیاری شدند. این جنگ‌ها با حمله دشمنان اسلام و به قصد براندازی این دین و رسول آن پیش می‌آمد. شمار جنگ‌هایی که خود پیامبر در آن شرکت کردند، ۲۶ یا ۲۷ غزوه و تعداد دفعاتی که حضرت برای جلوگیری از هجوم دشمنان اسلام سپاهی گسیل فرمودند از ۲۶ تا ۶۶ سربه گزارش کرده‌اند.^{۲۳} این حمله‌ها به نقلی چند ماه پس از هجرت پیامبر به مدینه و به نقلی از سال دوم هجرت آغاز شد. اگر فرض کنیم تعداد این جنگ‌ها ۲۶ غزوه و ۲۶ سربه باشد - یعنی کمترین مواردی که تاریخ نویسان گزارش کرده‌اند - مجموع آنها ۶۲ نبرد می‌شود. بنابراین رسول اکرم و مسلمانان به‌طور متوسط، هر دو ماه یک بار، به یک جنگ یا هر سال به شش جنگ کشانده می‌شدند؛ جنگ‌هایی که در بسیاری از آنها موجودیت و سرنوشت دین اسلام و پیامبر آن در معرض خطر قرار می‌گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه این غزوه‌ها و سربه‌ها را که بعد از هجرت اتفاق افتاد، در مسجد هدایت کردند. تشکیلات نظامی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد مستقر بود. بدیهی است، اداره امور جنگ به برنامه‌ریزی و تشکیلات ویژه‌ای نیاز داشت که به گواه تاریخ، فقط در مسجد انجام می‌شد؛ بنابراین ستاد ارتش اسلام و مرکز فرماندهی کل قوا در مسجد حضور داشتند. همان‌طور که از متون تاریخی به دست می‌آید از سال دوم هجرت اولین سربه‌ها و غزوه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفت.^{۲۴} لذا پیامبر جهت حفظ دین اسلام و احاد ملت مسلمان اقدام به تشکیل شورای نظامی در مسجد نمودند و قبل از هر جنگی در مسجد با مشاوران نظامی خود مشورت می‌نمودند و چگونگی رویارویی با دشمن را مورد بررسی قرار می‌دادند. که می‌توان مهمترین نمونه آن را مشورت پیامبر قبل از جنگ احد با مشاوران نظامی خود و قبل از جنگ خندق نام برد، که در اولی تصمیم بر جنگ در خارج از شهر شد و در دومی تصمیم به جنگ در داخل شهر و کندن خندق در اطراف مدینه النبوی بود.^{۲۵} علاوه بر این که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نظامی بوسیله فرمانده کل قوا در مسجد انجام می‌شد پیامبر صلی الله علیه و آله تمام غنائمی که در جنگ‌های

²³ . آیتی، محمد ابراهیم، *تاریخ پیامبر اسلام*، به کوشش ابوالقاسم گرجی: ص ۲۱۹ - ۲۲۷ .

²⁴ . زرگری نژاد، غلام الحسین، *تاریخ تحلیلی اسلام*: ص ۴۹ .

²⁵ . شیرازی، مکارم، *پیام قرآن*: ج ۱۰ ، ص ۱۲۱ ؛ ر.ک: عبدالملک، بن هشام، *السیره النبویه*، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید: ج ۲ ، ص ۶۶ و وافدی، محمد بن عمر، *مغازی*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۳۴ - ۲۳۷ .

مختلف به مدینه سرازیر می‌شدند را جمع کرده و در طول روز در بین جنگجویان و مستحقین آن تقسیم می‌کردند. با توجه به منابع تاریخی تشکیلات بیت‌المال، یعنی تشکیلات مالی بخش عمومی، متمرکز در مسجدالنبی بود.^{۲۶} هرگاه پیامبر در یکی از غزوه‌ها یا سریه‌ها بر یکی از مناطق جزیره‌العرب سیطره پیدا می‌کرد مأمورانی را بعنوان نماینده حکومتی، قضایی، ارشادی و فرهنگی در آن مناطق تعیین می‌نمودند که این افراد از حکومت مرکزی فرمان می‌بردند و رسالتی را که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برعهده آنها نهاده بود انجام می‌دادند.^{۲۷} (یعنی علاوه بر حکومت و فیصله‌دادن دعاوی حقوقی و کیفری و امور فرهنگی و ارشادی، جمع‌آوری زکات و خمس و خراج را نیز برعهده داشتند که بعد از جمع‌آوری آن را به بیت‌المال واقع در مسجدالنبی می‌فرستادند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را در بین مستحقین تقسیم می‌کردند).

۳ - مسجد، و گفت‌وگوی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله با نمایندگان سایر ادیان
در کتاب‌های حدیثی در باب جهاد، بابی بعنوان «دعاء العدو» آمده و ضمن آن در این باره مطالبی از سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است.^{۲۸} که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمود:

«لا تقاتلوهم حتی تحنوا علیهم بان تدعوهم الی شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و الا فرار با جاء من عندالله».^{۲۹}

یعنی پیش از آنکه به فکر جنگ با آنان باشید، از در گفت‌وگوی برهانی، نسبت به معتقدات دینی، با آنان درآیید. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نمایندگان ایشان بنابه توصیه مؤکد ایشان هرگز، پیش از برخوردهایی با اقوام و مایوس شدن از نتیجه مثبت آن، با گروهی به جنگ نمی‌پرداختند. و زمانی که گروهی اسیر به نزد آن بزرگوار آوردند، ایشان، از مسلمانان سؤال فرمود: آیا اسلام را قبلاً به آنان معرفی و عرضه کرده بودید؟ گفتند: نه. حضرت فرمود: پس آنان را به همان محل امتشان بفرستید. و آن‌گاه این آیه را تلاوت فرمود:

«ای پیامبر! ما تو را فرستادیم تا شاهد و مژده دهنده و بیم دهنده باشی

و مردم را به دستور خداوند به سوی او بخوانی و چراغی تابناک باشی».^{۳۰}

گفت‌وگوی علمی و فرهنگی زیادی میان آن حضرت با هیئت‌های اعزامی، که از سوی

²⁶ . قاسم بن سلام، ابوعبید، کتاب الاموال، تحقیق محمد خلیل هراس: ص ۳۷۳ - ۳۷۶ .

²⁷ . کتانی، عبدالحی، نظام‌الحکومه النبویه الترتیب الداربه: ج ۱، ص ۱۱۴؛ رک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم یابنده: ج ۴، ص ۳۰۳ و بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش: ص ۳۸۲ - ۳۸۵ .

²⁸ . کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی: ج ۱، ص ۲۳۷؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل: ج ۱۱، ص ۳۱ .

²⁹ . النمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۲۷۰ - ۲۶۹ .

³⁰ . الکاندهلوی، شیخ محمد یوسف، حیاة الصحابة: ج ۱، ص ۱۶۶ .

قبایل گوناگون به مدینه می‌آمدند صورت می‌گرفت.

جایگاه این گفت‌وگوها جایی جز مسجد نبود. گرچه برای سکونت و استراحت این هیئت‌ها، خانه‌ای نیز در نظر گرفته شده بود.^{۳۱} پاره‌ای از آنها نیز با توجه به صلاح‌دید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در خانه‌های انصار جا داده می‌شدند.^{۳۲} برای برخی از آنها - همچون هیئت نمایندگی ثقیف - به دلیل طولانی بودن اقامت آنان در مدینه، خیمه‌ای در مسجد برپا می‌شد.^{۳۳} پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار یکی از ستونهای مسجد که امروز نیز بنام «اسطوانه الوفود» (ستون هیئت‌ها) شناخته می‌شود، این‌گونه هیئت‌ها را به حضور می‌پذیرفتند و با آنان به مذاکرات دینی و اجتماعی می‌پرداختند. گرچه این از جنبه‌های سیاسی نیز برخوردار بود، ولی از آن‌رو که این هیئت‌ها معمولاً به منظور گرویدن به اسلام به مدینه می‌آمدند بحث و گفت‌وگو پیرامون معارف اسلامی، بخش‌های مهمی از این مذاکرات را به خود اختصاص می‌داد. برخی از این هیئت‌ها در حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و در خانه به فخرفروشی و خودستایی می‌پرداختند، گفت‌وگوهای طولانی و سخنان برخلاف ادب به زبان می‌آوردند و گاه درخواست اجرای مسابقات هنری و ادبی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و یاران آن حضرت می‌کردند. پیامبر با حوصله و بردباری کامل به سخنان آنان گوش فرا می‌دادند. ذکر آنچه که در کتاب‌های سیره پیرامون مذاکرات هیئت نمایندگی (بنی‌تمیم) بیان شده می‌تواند فضای حاکم یکی از این گفت‌وگوها را ترسیم نماید.

واقعی در مغازی در این باره آورده است که: ده نفر از روساء و برگزیدگان بنی‌تمیم به مدینه آمدند آنها در صحن مسجد نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند و عطار بن حاجب تمیمی را پیش آوردند که خطابه بخواند. او خطبه‌ای ایراد کرد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به ثابت بن قیس فرمود: برخیز و خطبه ایشان را پاسخ گوید. ثابت برخاست و با عدم آمادگی قبلی خطبه‌ای خواند، چون ثابت بن قیس نشست، آنها گفتند: ای رسول خدا اجازه فرمای تا شاعرمان شعری بخواند. چون اجازه فرمود، زبرقان بن بدر را بلند کردند و او ابیاتی را سرود. پیامبر به حسان بن ثابت فرمود: پاسخ‌شان بده و او برخاست و اشعاری سرود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مسلمانان از خطبه ثابت و شعر حسان در آن روز خوشحال بودند. نمایندگانی که آمده بودند، با یکدیگر خلوت کردند. یکی از ایشان گفت به خدا قسم، بدانید که این مرد از طرف خدا تأیید می‌شود و کارهایشان رو به راه می‌گردد؛ خطیب او از

31 . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه: ج ۱، ص ۴۴۵؛ ابن‌شبهه، عمر، تاریخ المدینه المنوره: ج ۲، ص ۲۳۵.

32 . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه، ج ۲ ص ۴۴۹.

33 . همان: ص ۴۴۷.

خطیب ما فصیح‌تر و شاعرش از شاعر ما بهتر و خودشان به مراتب از ما خردمندترند.^{۳۴} پس از او هیئت بنی تمیم مسلمان شدند و از دیگر هیئت‌هایی که مذاکرات علمی و فرهنگی مفصلی میان آنها با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله صورت گرفت. هیئت نمایندگی ثقیف بوده است.^{۳۵} پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث مفصلی که آمده است با راهبی بنام (شمعون بن لاوی بن یهودا) به بحث و گفت‌وگو پرداخته است.^{۳۶} روایتی است از امام صادق علیه‌السلام^{۳۷} به نقل از پدرش، امیرالمؤمنین علیه‌السلام که فرمود: نمایندگان پنج دین در مجلسی گرد آمدند و با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مباحثه و گفت‌وگوی دینی پرداختند: یهودی، نصاری، دهریه، ثوبه و مشرکان عرب. در این جلسه براساس تفاهم پیشین همگی توافق کردند که حقیقت را پس از اثبات بوسیله برهان و دلیل بپذیرند. ابن‌اسحاق از مناظره جماعتی از یهود مدینه (خبیر) به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خبر می‌دهد. همچنین از گفت‌وگو با نصاری نجران که در نهایت به مباحثه منجر شد و نصاری از آن واهمه کردند و مطیع گردیدند.^{۳۸} با توجه به این متون و متون تاریخی دیگر می‌توان نتیجه گرفت که همه یا اکثر این گفت‌وگوها در مسجد پیامبر صورت گرفته است. بطوری که مسلمانان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گفتند: ای رسول خدا، آیا ایشان که مشرکند، می‌توانند وارد مسجد شوند؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گفتند: زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی‌کند.^{۳۹}

۴ - اعتکاف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله الگوی مسلمانان می‌باشد و کردار و گفتار ایشان، برای پیروانش حجت است. راز و نیاز با پروردگار و چگونگی این ارتباط می‌تواند سهم بسزای در راهبرد امت به جهت مطلوب باشد. حال باید دید این بزرگوار با مسئله اعتکاف و خلوت با خداوند متعال چگونه برخورد کرده است؛ به تعبیر دیگر جایگاه اعتکاف در سیره ایشان چگونه بوده است؟

³⁴ . ر. ک: واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص ۷۴۲ - ۷۴۶ .

³⁵ . همان: ص ۷۳۳ - ۷۳۶ .

³⁶ . الحرائی، ابن‌شعبه، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی عطایی: ص ۱۷ .

³⁷ . طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الاحتجاج: ج ۱، ص ۲۷ - ۴۴ .

³⁸ . همدانی، رفیع الدین اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله: ج ۱، ص ۵۰۹ .

³⁹ . ر. ک: واقدی محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص ۷۳۳ - ۷۳۶ .

آن حضرت حتی قبل از رسالت هم مدتی را در غار حرا که در جبل النور - یکی از کوه‌های مکه - واقع بود، به عبادت به سر می‌برد. علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«ولقد کان یجاور فی کل سنه بحراء (حراء) فأراه و لایراه غیری».

«پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در هر سال مدتی را در غار حرا می‌گذراند. پس تنها من او را مشاهده می‌کردم و کسی جز من او را نمی‌دید».^{۴۰}

بعد از رسالت هم آن حضرت به اعتکاف اهمیت می‌دادند. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم:

«رسول‌خدا در ده روز آخر ماه رمضان در مسجد معتکف می‌شدند و برای آن حضرت خیمه‌ای معین برپا می‌کردند و ایشان در این ده روز بستر خویش را برمی‌چیدند و به اعتکاف مشغول بودند».^{۴۱}

در روایتی دیگر از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم:

«جنگ بدر در ماه مبارک رمضان اتفاق افتاد و آن حضرت فرصت اعتکاف پیدا نکردند؛ از این‌رو سال بعد بیست روز معتکف شدند، ده روز برای همان سال و ده روز برای سال قبل که اعتکاف ایشان فوت شده بود».^{۴۲}

حتی در تاریخ نقل شده است که آن حضرت محل اعتکافش نزدیک یکی از ستون‌ها به نام «اسطوانه السریر» (ستون تخت) بوده است که هنوز هم معین است. در کنار این ستون، تختی برای استراحت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار می‌دادند.^{۴۳} اعتکاف تأثیر بسزایی در ریشه کن کردن گناهان دارد بطوری که پیامبر در آثار اعتکاف می‌فرمایند:

«هرکس برای خدا و با ایمان کامل معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود».^{۴۴}

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«کسی که روزی را برای رضایت خداوند متعال معتکف شود، ذات حق بین او و امتش سه خندق ایجاد می‌کند».^{۴۵}

پس می‌توان از سیره و گفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به اهمیت اعتکاف پی‌برد و آن را عملی برای تربیت نفس و پرورش روح دانست.

40. نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲ .

41. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی: ج ۴، ص ۱۷۵ .

42. همان .

43. سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء باخبار المصطفی: ج ۲، ص ۴۵۲ .

44. سیوطی، جلال‌الدین، الجامع الصغیر: ج ۲، ص ۵۷۵ .

45. المتقی الهندي، کنز العمال: ج ۸، ص ۵۳۱ .

۵ - ویژگی‌های مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و شیوه برگزاری نماز جماعت در سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله
 با ورود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به شهر مدینه و استقبال جانانه مردم تازه مسلمان شده از ایشان، شور و هیجان شهر را فراگرفت، جانی تازه در کالبد مردم دمیده شد و زندگی مسلمانان حیاتی دیگر پیدا کرد. شادی و شوق بسیاری، در چشم‌ها دیده می‌شد. خانه‌هایی که ماه‌ها با ذکر اوصاف عالی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روشن شده بود، اینک حضور آن بزرگوار آن را کمال می‌بخشید. مردم مدینه که از نزدیک سیمای ملکوتی و دوست داشتنی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را می‌دیدند، گویا حقیقت اسلام و ایمان را مشاهده می‌کردند و از زیارت آن حضرت توشه برمی‌گرفتند. حلاوت کلام، زیبایی سیما و دلنشینگی اخلاق و سیره نبوی، همه را شیفته کرده بود. یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هر روز افزون‌تر می‌شدند. محلی که در آن نماز می‌خواندند، آنکده از جمعیت می‌شد. آنجا، انباری متعلق به دو یتیم، سهل و سهیل، از طایفه خزرج بود، که تحت تربیت اسعد بن زراره بودند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به اسعد فرمودند: که این محل را برای مسجد خریداری کند. دو یتیم محل را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هدیه کردند، ولی ایشان نپذیرفتند و فرمودند: که باید پول آن را بگیرند. سرانجام به ده دینار خریده شد.^{۴۶} مسلمانان مشغول خشت زدن شدند تا مصالح بنای مسجد فراهم شود. به دستور پیامبر، ابتدا زمین مسجد را کندند و از کوه سنگ آوردند. پیامبر در محل سنگ‌ها خود به مسلمانان کمک می‌کرد. وقتی اسید بن حضیر دید که حضرت خود سنگ‌ها را برای مسجد از کوه می‌آوردند، پیش رفت و عرض کرد: یا رسول الله! اجازه دهید من عوض شما آنها را ببرم. حضرت فرمودند: خیر، تو خود برو و سنگ دیگری را حمل کن. مردم با علاقه زیاد، سنگ‌ها را بردند تا حفره انباشته و زمین مسطح شد. آنگاه دیوار مسجد را ساختند. در آغاز که جمعیت مسلمانان کم بود، مسجدالنبی با دیواری به قطر یک خشت - و به تعبیر امروزی «یک آجر» - ساخته شده بود. بعدها که مسلمانان بیشتر شدند، دیوارهای جدید در محیطی وسیع‌تر با یک آجرنیم ساخته شد. پس از آن دیوار مسجد که قهرا مساحت بیشتری را در برمی‌گرفت، «دو آجره» شد. بلندی دیوارها به قد و قامت انسان بود، و انتهای مسجد به اندازه صد ذراع بود.^{۴۷} مسجد پیامبر پس از دیوارکشی اولیه، پر رفت و آمدترین مرکز شهر شد. کثرت رفت و آمد و حضور مردم در آن، نیازهای جدیدی را در پی داشت. گرمای هوا در مدینه و شدت آن، باعث شد که اصحاب از حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله درخواست کردند که اگر اجازه دهند،

^{۴۶} . همدانی رفیع الدین اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله: ج ۱، ص ۴۷۵ - ۴۷۴ .

^{۴۷} . مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار: ج ۱۹، ص ۱۱۱ .

سایبانی در مسجد بزنند. پس از کسب اجازه، ستون‌های چوبی را در جلوی مسجد و سپس تا نزدیکی صحن برافراشتند. آنگاه، با شاخه درخت خرما سایبان زدند تا در پناه آن، از شدت گرما برهند و در آنجا به نماز و شنیدن سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بپردازند. پس از مدتی که براین منوال گذشت گاه باران از سایبان به زیر می‌آمد و موجب اشکالاتی می‌شد، دوباره پیشنهاد شد که سایبان تبدیل به سقف شود. پاسخ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برخلاف سابق بود. آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله بن

پیشنهاد موافقت نکردند. توجه به این نکته، درس‌آموز است که ارتباط امام و مأموم چگونه باید باشد، مساجد تا چه اندازه از نظر ساختمان و رفاه نمازگزاران باید مورد توجه قرار گیرد، و امام در چه مواردی باید نظر مردم را بپذیرد؟ آیا باید امام بطور مطلق تسلیم حرف مردم باشد، یا لازم است مصالح و مفاسد را در نظر گیرد؟ احترام به آرای مردم، یک رکن روابط اسلامی است، ولی این احترام نباید اصول دیگر را مورد سؤال قرار دهد، زیرا ممکن است همه خواهش‌های مردم، مطابق با مصالح واقعی آنان نباشند. تشخیص این مصلحت، با شخص رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

«عربش کعربش موسی الامر عجل من ذلك».

«سقفی مانند سقف خانه موسی علیه‌السلام (دیگر به سقف نمی‌رسد) زمان کوتاه‌تر از آنست».^{۴۸}

بنابراین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر سادگی و پویایی مسجد، اصرار می‌ورزیدند، بطوری‌که حاضر نبودند که سایه بان مسجد به سقف تبدیل شود. درخصوص برگزاری نماز جماعت در سیره نبوی باید گفته شود که مسجد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه نخستین کانونی بود که از بدو تأسیس به منزله مرکز اصلی تمام فعالیت‌های عبادی مسلمانان، مورد استفاده قرار گرفت. یکی از این فعالیت‌ها برپایی آیین‌های جماعت در این مسجد بود. مسلمانان به سبب تعالیم قرآن مجید و رهنمودهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به حضور در مسجد و شرکت جستن در نماز جماعت اشتیاق خاصی از خود نشان می‌دادند. آنان در هر شبانه روز، پنج بار از دو رو نزدیک بدین مسجد می‌شتافتند و با تشکیل صفوفی منظم به ادای فرایض دینی به امامت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌پرداختند. از آنجا که این آیین دسته جمعی در تحکیم روابط، میان مسلمانان و تحقق وحدت در جامعه اسلامی نقش بسزایی داشت، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هیچ یک از مسلمانان اجازه نمی‌داد بدون عذری از حضور در این فریضه الهی سرباز زنند، چنانکه در روایت اسلامی آمده است چون حضرت کسانی را که از

شرکت امتناع می‌کردند به شدت تهدید کرد و خطاب به ایشان فرمود:

«لتحضرن المسجد او لا حرقن علیکم منازلکم».

«باید در مسجد حضور یابید و گرنه خانه‌های‌تان را با شما به آتش

می‌کشم».

چون این خبر در مدینه انتشار یافت مرد نابینایی به نزد پیامبر آمد و عرض کرد: یا رسول الله من مرد نابینایی هستم، و چه بسا صدای اذان را می‌شنوم، اما کسی را نمی‌یابم که مرا برای نماز خواندن با شما به مسجد بیاورد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌فرمود:

«طنابی از منزلت به مسجد ببرد و بدین وسیله در جماعت مسلمانان

شرکت کن».^{۴۹}

از این روایت چنین برمی‌آید که در عصر رسول الله تمامی مسلمانان حتی افراد ناتوان در نماز جماعت شرکت می‌کردند، و به این ترتیب مساجد آن روزگار بویژه مسجد پیامبر از جهت برگزاری آیین‌های جماعت بسیار فعال بوده است. با توجه به روایاتی که از پیامبر نقل شده است پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سعی می‌کرده است که نماز جماعت ایشان طول نکشد که باعث ملال و خستگی افراد نمازگزار شود و حتی از امان جماعتی که این کار را کرده‌اند هم به شدت اعتراض کرده است. در کتاب *معالم القریه* از نجاری نقل شده که ابومسعود گفته است: مردی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: من به خاطر ضعف و ناتوانی، از حضور در نماز فلان کس خودداری می‌کنم، زیرا او نماز را طولانی برگزار می‌کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در

سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بودم. آن حضرت خطاب به حاضران فرمود:

«برخی از شما، مردم را گریزان می‌سازید، کسی که امامت گروهی را

برعهده دارد، بایستی از طولانی کردن نماز پرهیز کند. چه، در نماز جماعت

افراد ناتوان، بزرگسال و نیز کسانی که کار و مشغله دارند، یافت می‌شوند».^{۵۰}

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که در بالا آمد می‌توان به این نتیجه رسید که مسجد در عصر پیامبر و در سیره نبوی بعنوان يك نهاد چند نقشی - علاوه بر اینکه مرکز عبادت و اعتکاف بود -

⁴⁹ . شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*: ج ۵ ، ص ۳۷۷ .

⁵⁰ . ابن اخوه، *معالم القریه*: ص ۲۶۶ .

مرکز جهاد علمی و دانشگاهی بشمار می‌رفت زیرا که بسیاری از دانشجویان این دوره در مسجد پیامبر و در محضر ایشان درس می‌گرفتند و فارغ التحصیل می‌شدند و پیامبر آنها را بعنوان معلمان دینی در مناطق تصرف شده یا تازه به اسلام گرویده اعزام می‌کردند، و نیز مقرر فرماندهی کل قوا بود چون پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تمام ۶۲ غزوه و سریه خود را با مشاورت فرماندهان نظامی خود از اینجا آغاز می‌کردند و تمام برنامه‌ها و نقشه‌های نظامی در مسجد ریخته می‌شد و مسلمانان را پیامبر برای جهاد با کفار از این محل مقدس بسیج می‌کردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد بود که ادیان مختلف را به صورت فردی یا گروهی (وفود) به حضور می‌پذیرفتند و با دلیل و برهان دین خود را به آنها عرضه می‌داشت. همانطوری که از متن برمی‌آید و نتیجه می‌گیریم نماز جماعت در سیره نبوی بسیار به آن اهمیت داده شده است و سعی پیامبر بر برگزاری آن باید طوری عمل شود که باعث ملال و خستگی مؤمنین نشود. البته می‌توان بطور کلی در نتیجه‌گیری این مقاله عرضه داشت که مسجد در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مرکز عبادت و جایگاه دانش، مرکز جهاد تبلیغاتی و نهضت، مقرر دادرسی و قضاوت، قرارگاه سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی دولت و کانون تعاون اجتماعی بشمار می‌آمده است.

مسجد در عصر مدرنیته

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که مسجد به عنوان مرکزی برای انجام فعالیت‌های مختلف اعم از عبادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره دارای نقش کاملاً مؤثری در پیشبرد اهداف دین مبین اسلام بوده است. به عبارت دیگر اگر چه در فرهنگ دینی، نام «مسجد» یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال بوده و در لغت به معنای جایگاه سجده تعریف گردیده است و براین اساس در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد بیش از هر بعد دیگری تکیه شده است. اما پس از هجرت پیامبر عظیم‌الشان اسلام به مدینه، مسجد به عنوان فعال‌ترین پایگاهی که قادر تأثیرگذاری ژرف بر فضای جامعه در ابعاد مختلف بود، انتخاب و عمده فعالیت‌ها در حول محور آن شکل گرفت. برای تأیید این موضوع در زمان حاضر نیز می‌توان به بررسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نقش مساجد در این تحول عمیق پرداخت، علاوه بر آن که در طی سال‌های دفاع مقدس نیز مساجد دارای نقش ویژه‌ای در جذب و اعزام رزمندگان، پشتیبانی جبهه‌ها، پخش اخبار درست در محله، کانون کمک به خانواده‌هایی که به دلایل ناشی از وجود جنگ نیاز به پشتیبانی داشتند، بالا بردن روحیه افراد جامعه و موارد متعدد دیگر بوده‌اند لذا مسجد در تمام طول تاریخ اسلام کانونی جهت بسط ارزش‌های اسلامی و مقابله

با ضد ارزش‌ها بوده است.

در بیانی دیگر اگرچه مسجد در نقش اول خود مکانی برای پرستش معبود یگانه و برپایی نماز جماعت به عنوان اولی‌ترین نوع عبادت در نظر گرفته می‌شود، ولی این نقش در واقع چون تنه‌ای است که با رویش خود منجر به جوانه زدن شاخه‌های متعددی شده که از هر کدام میوه‌های مختلفی برای جامعه اسلامی به ارمغان آورده خواهد شد. در جامعه فعلی ایران به دلایل مختلف، جامعه اسلامی از بسیاری از این ثمرات محروم است. این خسران با توجه به انقلابی که برپایه مبنای دینی شکل گرفت، دفاع حقیقتاً مقدسی که بر مبنای ولایت فقیه که ناب‌ترین شکل حکومت شیگفت‌آوری به همراه داشت و حکومتی که جای شیگفتی دارد، اگرچه بسیاری این موضع را عادی قلمداد کرده و امری طبیعی دانسته و علت آن را گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن می‌دانند. به عبارت دیگر آنان معتقدند که در جامعه مدرن باید برای مسجد کارکردهای جدیدی تعریف نمود. در حالی که به اعتقاد مؤلف مطلقاً این‌گونه نیست، بلکه دقیقاً بر عکس این اعتقاد نه تنها کارکردهای مسجد در جامعه مدرن شده عوض نخواهد شد، بلکه بالعکس کارکردها دارای عمل و گستره بیشتری خواهند شد. برای آوردن دلایل جهت تأیید این نکته خوب است شروع بحث از بیان يك سؤال آغاز گردد.

با توجه به تأیید این موضوع توسط متخصصین جامعه‌شناسی که جامعه ما در حال گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن است، سؤالی آن است که در این دوران گذر و نیز در دوره تثبیت مدرنیته، کارکردهای مساجد چه خواهند بود؟

بدون شك اگرچه پاسخ‌گویی به این سؤال بسیار مشکل است و این خطر نیز وجود دارد که در صورت عدم صحت پاسخ، از کارکرد مطلوب مسجدها کاسته شود؛ اما باید توجه داشت عدم پاسخ‌گویی، خطری بزرگ‌تر در پی خواهد داشت چرا که در طی گذر زمان می‌تواند جامعه اسلامی را از کانونی که در تمام طول تاریخ اسلام به صورت دژی مستحکم از کیان دین اسلام و جامعه شکل گرفته بر مبنای آن حفاظت نموده است، محروم نماید.

ساده‌ترین راهی که برای جواب قابل استفاده بوده و محققین زیادی نیز به آن توجه داشته‌اند، آن است که جوامع مدرن شده در عصر حاضر را مورد بررسی قرار داده، زیرا پرستش معبود در انسان‌ها امری فطری است و در تمام جوامع معبودی برای پرستش وجود دارند. هرچند معمولاً به دلیل وجود انسان‌های منفعت‌طلب در بیشتر موارد معبودانی دروغین که قادر به سرازیر کردن سرمایه‌های به سمت این‌گونه انسان‌ها بوده‌اند، جایگزین خدای متعال شده‌اند،

ولی این موضوع هیچ‌گاه منجر به خاموشی امر فطری عبادت معبود نگردیده است. بدین لحاظ می‌توان با بررسی گذشته و حال يك جامعه مدرن شده به تغییرات به وجود آمده در عبادتگاه‌های موجود پی‌برد. از این منظر بررسی جوامع اروپایی که دارای خصوصیات عمومی يك جامعه مدرنیته بوده و در عین حال با داشتن دینی برگرفته از پیامبری اولوالعزم در گذشته و حال و نیز داشتن عبادتگاه‌های مختلف قادر به پاسخ‌گویی صریح به این موضوع هستند، انتخابی صحیح به نظر می‌رسد.

در جوامع اروپایی قبل از دوران رنسانس که جامعه موجود دارای کارکردهای مختلفی بودند، و رای يك مکان عبادی، کلیسا مقرر برای قضاوت، مشروعیت بخشیدن به حاکمان سیاسی، آموختن دانش، رسیدگی به امور جوامع از نظر شرعی، اعزام سپاهیان به جنگ‌های مختلف و عملکردهای مختلف دیگر بوده است. به عبارت دیگر کشیشان، اسقف‌ها و در رأس آنها شخص پاپ به عنوان بالاترین حامی کلیساها، قادر به تصمیم‌گیری، اعلام‌نظر و در نهایت فرمان در تمام ابعاد فعالیت اجتماعی بودند. این دخالت می‌توانست حتی در مراتب عالی منجر به تعویض شخص حاکم يك جامعه نیز شود.

بدون بررسی علل به وجود آمدن رنسانس که خود مقوله‌ای دیگر است، از جهت آن که پس از آن جوامع اروپایی به سمت مدرن شدن پیش رفتند، می‌توان با پیگیری تاریخی موضوع پس از رنسانس تا عصر حاضر که جوامع فعلی اروپایی جزو مدرن‌ترین جوامع جهانی هستند به نقش کلیساها به عنوان عبادتگاه‌های غالب در فعالیت‌های این گونه جوامع پرداخت. پس از رنسانس از گستره اظهارنظر و دخالت کلیساها در امور اجتماعی کاسته شده و در حال حاضر نیز کلیساها به صورت تقریباً مطلق از دخالت در امور غیر دینی منع شده‌اند، علاوه بر آن که خود امور دینی نیز تا حد زیادی محدود گردیده‌اند. به عبارت دیگر حاکمان این‌گونه جوامع اگر چه تا حد امکان سعی بر آن دارند که دین را از جامعه بزایند، اما به دلیل آنکه به خوبی ثابت شده است که امر فطری پرستش معبود قابل حذف نیست، سعی نموده‌اند با نگاه داشتن عبادتگاه‌ها این نیاز بشری را پاسخ‌گو باشند، اما برای کنترل آن، کارکرد آن را کاملاً محدود شده و تنها در انجام بعضی مناسک مذهبی تعریف نموده‌اند. تاریخ شاهدان متعددی برای گواهی دادن به عدم امکان حذف پرستش معبود از ذهن جوامع دارد. یکی از بهترین آنها در آخرین تقاضایی یکی از مستبدرین و کوشاترین افراد در جهت حذف دین از جامعه یعنی استالین به خوبی مشهود است که در اواخر عمر فرمان داد که کلیساها و مساجد باز شوند تا مؤمنین در آنجا حضور یافته و برای شفای او دعا نمایند. با توجه به این موضوع، هر چند حاکمان این جوامع در آرزوی

زدودن دین از جامعه هستند، اما به دلیل عدم امکان اجرای این خواسته با باز نگاه داشتن عبادتگاه‌هایی چند، تلاش خود را صرف آن می‌کنند تا ضمن کنترل امر فطری پرستش معبود در جوامع خود، از جهت یافتن آن به سمت دین‌های اصیل جلوگیری نمایند.

اگر مطلب بالا مورد قبول واقع شود، براساس این بررسی باید برای مساجد نیز در جامعه مدرن شده اسلامی، کارکردی تک بعدی و تنها مکانی برای پرستش معبود قابل بود. این نسخه‌ای است که در طی چند سال اخیر بارها توسط بعضی از افراد اعلام شده است. در این دیدگاه دیگر نباید نگران تعداد افراد جذب شده به مساجد بود یا از کاهش یافتن کارکردهای مثبت آن نگران بود. همچنین همچون جوامع اروپایی که عمده کلیساها تغییر کاربری یافته و تنها تعداد معدودی باقی مانده‌اند، بخش اعظم مساجد باید تغییر کاربری یافته و تنها تعدادی مساجد که دارای معماری برتری هستند باقی بمانند. ولی واقعیت آن است که آنانی که جوامع اسلامی مدرن شده را در قالب جوامع مدرن شده امروزی می‌بینند، از نکته‌ای مهم غافل هستند و این آن است که در جامعه مدرن شده اسلامی، دین هرگز به حاشیه رانده نمی‌شود، بلکه به دلیل افزایش آگاهی و عقلانیت قشرهای مختلف جامعه، مسجد به عنوان مرکز فعالیت‌های اجتماعی دارای کارکردهای عمیق‌تری خواهد شد. این نقطه افتراق با روشنفکرانی هست که تصور می‌نمایند برای رسیدن به جامعه‌ای مدرن لازم است دقیقاً از همان راهی عبور نمود که سایر جوامع عبور نموده‌اند، در حالی که عقل سلیم حکم می‌نماید برای عبور از این راه لازم است ابتدا به نتایج ناشی از عبور از این مسیر که در جوامع عبور نموده قابل بررسی است، پی‌برد و سپس با دریافت آنها، مسیری صحیح‌تر را انتخاب نمود. برای واگذاری و درک نتایج حاصل از کنار گذاشتن دین در این جوامع نیاز، به بررسی چندان عمیقی نیست، زیرا تحقیقات انجام شده توسط محققین همین جوامع به صراحت برآشفتاب بودن به حاشیه راندن دین دلالت می‌نماید. افزون شدن تعداد خودکشی‌ها، افزایش معتاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی که می‌تواند در تسکین موقت خلأهای معنوی مؤثر باشد، از هم پاشیدگی خانواده به عنوان مهم‌ترین رکن هر جامعه و نتایج فوق‌العاده منفی دیگر همگی سر منشأ در سیاستی اشتباه تحت عنوان حذف یا به حاشیه رانده دین در این جوامع دارد. امروزه حتی شاخه‌ای از علم روان‌شناسی تحت عنوان دین‌درمانی با وجود مخالفت علنی و پیگیرانه سیاستمداران منفعه‌طلبی که سود خود را در کنار گذاردن دین می‌دانند، در حال شکل‌گیری و رواج است. در این نوع درمان، پزشک با احیای امر فطری پرستش و ایجاد ایمان به عالم غیب و خالق متعال سعی در معنا بخشیدن به زندگی بیمار می‌نماید. بدین لحاظ نباید انتظار داشت که هیچ انسان

عاقلی تأیید نماید که برای مدرن شدن لازم است که دین به حاشیه رانده شود. در تفکر دینی، مدرنیته نوعی تحول است که در طی آن انسان با استفاده از ابزارهای مدرنی که قادر به گشودن راه‌های جدید برای شناخت خود هستند، به تفکر خود عمقی ژرف‌تر داده و با بهره‌گیری از آگاهی‌های افزوده شده، نه تنها از ایمان او کاسته نمی‌شود، بلکه بر اعتقاد او به وجود خالق هستی افزوده می‌شود. به عبارت دیگر اگر در گذشته تنها تعدادی از دانشمندان و محققین به دلیل برخورداری از دانش و آگاهی‌های بیشتر، دارای اعتقادات و ایمانی عمیق‌تر بوده‌اند، در عصر مدرنیته این برخورداری از دانش و آگاهی‌ها به دلیل عمومی شدن در کل جامعه رسوخ یافته و پیامد آن ایمانی قوی‌تر خواهد بود. براین اساس در عصر مدرنیته نه تنها از کارکردهای مسجد نباید کاسته شود، بلکه برای آن باید بر مؤثرتر شدن آن کارکردهای تأییدی همه جانبه داشت.

اگر مطالب مذکور صحیح در نظر گرفته شوند، این موضوع با آن چه در مساجد در جامعه فعلی ما می‌گذرد، دارای تناقض است. به عبارت دیگر بر اساس آن چه در بالا آورده شده، در جامعه در حال گذر ایران لازم است مساجد دارای کارکردهای متعدد بوده و نیز دارای تأثیری فوق‌العاده بیشتری باشند؛ اما واقعیت خلاف این حقیقت است. این موضوع نه تنها سؤال‌برانگیز بوده، بلکه بسیار دغدغه‌انگیز نیز است. زیرا وضعیت مساجد در حال حاضر در واقع تأییدکننده نظر آنانی است که مصر به صحت این موضوع هستند که در جوامع مدرن، مساجد تنها کانونی برای عبادات معدود پرستش‌کنندگان هستند. معدود شدن مراجع‌کنندگان به مسجد و در واقع به حاشیه رانده شدن دین که با مقیاس دقیق تعداد پرستش‌کنندگان خالق متعال قابل اندازه‌گیری است، برای جامعه اسلامی بسیار خطرناک است، زیرا به واسطه وجود پایگاهی به نام مسجد بوده است که با وجود همه هجوم‌های متعدد در طول تاریخ هیچ‌گاه کیان جامعه اسلامی از بین نرفته و هر بار نیز توانسته است که اقوام مهاجم را در درون خود هضم کرده و ارزش‌های اسلامی را حفظ نماید.

پس چرا این‌گونه است؟ جواب اگر چه سخت و دردناک است، اما پاسخ‌گویی واجب است. جواب را به صورت ساده می‌توان این‌گونه بیان نمود: در جامعه فعلی ما سرعت حرکت به سمت مدرنیته بسیار سریع‌تر از حاکم شدن آموزه‌های دینی است. این موضوع به ویژه در مراکز آموزشی که پرورش‌دهنده نسل‌های بعدی است دارای تفاوت فاحش‌تری است، لذا به جای حاکم شدن آموزه‌های دینی و در نتیجه رواج ارزش‌های کاملاً منطبق بر جامعه مدرنیته غربی در حال حاکم شدن است. به عبارت دیگر با کمال تأسف باید اعلام نمود که این

تصور غلط در حال جا افتادن در جامعه است که برای رسیدن به عصر مدرنیته باید از دینداری کاست و آن را محدود به زمان‌هایی خاص برای پرستش نمود. این تصور بسیار غلط نیز به این دلیل شکل گرفته و چون سرطانی کشنده در حال گسترش است که مساجد غیرفعال شده و هستند.